



سال پنجم - شماره ۱ پانزدهم - تابستان ۱۳۹۴

صص ۶۳-۹۴

مقایسه‌ی تطبیقی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ساکن مناطق حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهر خرم‌آباد در سال ۱۳۹۳

محسن شاطریان^۱، معصومه دلفان^۲، خیرالنسا رشنو^۳

چکیده

امروزه در دنیای مدرن، بخشی مهمی از برنامه‌ها و آموزش‌های کودکان و نوجوانان در زمان‌های آزاد و اوقات فراغت آنهاست؛ چگونگی گذران این اوقات آزاد و فراغتی نوجوانان می‌تواند در رشد آنها اثربخش باشد و بازدهی آن، قطعاً به آینده‌ی کودک و جامعه برخواهد گشت. نوشتار حاضر با هدف بررسی میزان، نوع و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ساکن محلات حاشیه‌نشین و عادی تدوین شده است. این پژوهش به صورت مقطعی و پیمایشی اجرا شد. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه کودکان و نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال ساکن شهر خرم‌آباد می‌باشد. تعداد کودکان و نوجوانان مورد بررسی در زمان جمع‌آوری داده‌ها ۲۰۰ نفر هستند که به‌طور تصادفی از بین کودکان و نوجوانان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین و عادی خرم‌آباد با حجم طبقات برابر انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی جمع‌آوری گردید. پرسشنامه‌ی تحقیق پس از تدوین، با استفاده از فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش و آزمون مقدماتی پرسشنامه و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ اعتبار ابزار مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و فعالیت‌های آماری مربوط، داده‌های تحقیق مورد توصیف، تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه (۲۰/۵۳۹)، هرچه پایگاه اجتماعی-

shaterian@kashanu.ac.ir

delfan.khoram@yahoo.com

rashnu.r90@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۳

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۲- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان

۳- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه کاشان

تاریخ وصول: ۹۳/۱۰/۲۲

اقتصادی خانواده‌ها بالاتر و بهتر باشد، به همان میزان فعالیت‌های فراغتی کودکان و نوجوانان افزایش پیدا می‌کند و گذران اوقات فراغت آنها پربارتر می‌گردد و همچنین بین میزان، نحوه و نوع فعالیت فراغتی کودکان دو منطقه تفاوت معناداری وجود دارد. بنا بر نتایج تحقیق انجام شده کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین در زمان فراغت به دلیل تنگی معیشت و یا فقر فرهنگی خانواده، مجبور به کار کردن هستند و گاهی هم دچار انحرافات اجتماعی و مشکلات جسمی می‌شوند. از آسیب‌های دیگر در رابطه با اوقات فراغت، استفاده از رسانه‌های غربی، اینترنت و وسایل ارتباط جمعی دیگر، زنگ خطر بزرگی در بین نوجوانان و کودکان است که نیازمند مداخلات مناسب است.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت، نوجوانان حاشیه و غیرحاشیه، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، فقر.

مقدمه

امروزه، پدران و مادران بیش از پیش به مسئولیت‌هایشان آگاهی یافته‌اند. بزرگ کردن فرزند به امری پیچیده مبدل گردیده و اولیا به فکر برآوردن نیازهای آموزشی و تفریحی فرزندان هستند. اندیشه‌ی جای دادن کودک در گروه‌های مختلف، تدارکات لازم برای زندگی اجتماعی و حرفه‌ای آن‌ها (بهنام، ۱۳۸۳: ۱۰۶) و دیگر دغدغه‌های مشابه خانواده‌ها درباره‌ی کودکان و نوجوانان، دوران کودکی و نوجوانی را در جوامع امروزی دستخوش تحولات عمده‌ای کرده است. در دنیای مدرن امروز، بخشی مهمی از برنامه‌ها و تدارکات برای کودکان و نوجوانان در زمان‌های آزاد با برنامه‌ریزی مناسب و متناسب با علایق و تمایلات کودکان مورد توجه والدین قرار می‌گیرد. این‌گونه برنامه‌ریزی‌های مناسب در پر کردن اوقات آزاد و فراغتی نوجوانان می‌تواند به نحو مطلوبی در رشد آنها اثربخش باشد و بازدهی مفید آن، قطعاً به آینده‌ی کودک و جامعه برخواهد گشت.

نحوه‌ی گذران اوقات فراغت^۱ مثل بیشتر جنبه‌های زندگی اجتماعی، از طریق تقسیمات طبقاتی، جنسیتی و نژادی تجربه می‌شوند. ماهیت گذران فراغت به پایگاه اجتماعی افراد و میزان درآمد خانواده بستگی دارد و یا قیود اجتماعی برای ممانعت از فرد(کودک و یا نوجوان) برای پرداختن به فعالیت فراغتی وجود دارد (مور، ۱۳۷۶: ۲۰۵). هرچند به نظر

می‌رسد در قرن معاصر مطابق با ماده‌ی ۲۷ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، که همه‌ی کودکان حق دارند از شرایط خوب زندگی برخوردار باشند، حق دارند بازی کنند؛ آموزش ببینند تا شرایط مناسب شکوفایی توانایی‌ها و رشد جسمی و معنوی و اخلاقی و اجتماعی آن‌ها فراهم گردد و نهایتاً تمامی کودکان باید از تساوی حقوق و امکانات برخوردار باشند؛ اما در همین قرن، «هر بخش از جهان با توجه به دوره‌ی مدرن، با تنش اجتناب‌ناپذیر موازنه‌ی شاخص‌های منطقه‌ای و جهانی مواجه است و این مسأله در مورد دوران کودکی به وضوح صدق می‌کند. الگوهای کلی مشترک با تمایزات مشخص همزیستی دارد. آمارهای جهانی دو دهه‌ی گذشته این مسأله را روشن می‌سازد که شمار رو به رشدی از مردم و حکومت‌ها در مورد اینکه محور اصلی دوران کودکی تحصیل باشد نه کار اتفاق نظر دارند. اما هنوز بسیاری از جوامع آنقدر فقیر هستند که از عهده‌ی تأمین آموزش همگانی بر نمی‌آیند» (استیرنس، ۱۳۸۸: ۲۳۷). بنا بر گزارش سال ۲۰۰۱ مرکز اسکان بشر ملل متحد حدود بیست درصد جمعیت شهری جهان در فقر مطلق به سر می‌برند و امروزه در آسیا تعداد فقرای شهری بیش از میزان آن در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۹۰ میلادی است. همچنین کمیسیون جهانی آینده‌ی شهرها در قرن ۲۱، هشدار داده که به موازات رشد ابرشهرها فقر شهری در کشورهای جنوب در حال افزایش است و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه‌ی اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت. از این رو می‌بینیم که حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای بازتولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های متداول شهری است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۴). بر اساس برآوردهای سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه‌ی اسکان بشر، حدود یک میلیارد نفر از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها و حاشیه‌های شهری یا به صورت اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند (هادی زاده، ۱۳۸۳: ۳۴). در بعضی از این جوامع شدت فقر آنقدر زیاد است که بسیاری از کودکان را از زیستنی در شرایط عادی زندگی محروم می‌کند و دوران کودکی آنان را درگیر کار و فعالیت‌هایی برای امرار معاش می‌کند؛ این کودکان حتی در وقت آزاد خود به دلیل

ضعف مالی خانواده به اجبار باید کار کنند. در این میان فقر فرهنگی نیز عامل مهم دیگری در محرومیت کودکان برای استفاده بهینه‌ی از وقت فراغتی آنهاست که بی‌شک می‌تواند اثرات مخرب‌تری از فقر اقتصادی به جا گذارد.

ضرورت و بیان مسأله

اوقات فراغت یکی از پدیده‌هایی است که توجه بسیاری از صاحب‌نظران به‌ویژه جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. جامعه‌شناسان، فراغت را واقعیتی کاملاً تازه تصور می‌کنند که در نتیجه‌ی انقلاب صنعتی و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جهان امروز پدید آمده است. امروزه فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار شده است که کارشناسان از آن به مثابه‌ی آیینی فرهنگ یاد می‌کنند. در این معنا، چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است.

در علوم اجتماعی نیز، فراغت با سه روش موردبررسی قرار می‌گیرد: *اول* اینکه، فراغت معمولاً به‌عنوان یک نوع فعالیت تعریف می‌شود. از این دیدگاه بازی کردن، ورزش و فعالیت‌های مشابه نوعی فراغت محسوب می‌شوند. *دوم* فراغت ممکن است وسیله‌ی اندازه‌گیری زمان محسوب شود که فارغ از تکالیف است. *در نهایت*، فراغت اغلب یک وضعیت ذهنی یا تجربه‌ای خاص محسوب می‌شود که منجر به حس رضایتمندی، هیجان، شادی و تعلق می‌گردد. در هر حال، فراغت در موارد گوناگون ممکن است ترکیبی از تعداد از این فعالیت‌ها یا تمام آن‌ها باشد (تیمویی، ۱۳۸۸: ۱۸).

به طور کلی اوقات فراغت و کیفیت گذران آن همگام با ظهور مدرنیته مورد توجه قرار گرفت. این مفهوم دربرگیرنده‌ی تمامی اقشار جوامع انسانی است؛ البته این مفهوم در مورد نوجوانان و جوانان که قشر سازنده‌ی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند و زمان و فرصت‌های آزادتری دارند بسیار بااهمیت‌تر است. بحث در مورد اوقات فراغت نوجوانان و جوانان از آن حیث مهم است که این اوقات همچون شمشیری دولبه است؛ لبه‌ای از آن می‌تواند رشد دهنده و اصلاح‌گر باشد و لبه‌ی دیگر آن زایل‌کننده‌ی نیروی جوانی و حتی بیهودگی و فسادانگیز (کریمیان، ۱۳۸۸: ۱۱۸). به همین علت، می‌توان ادعا

نمود نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، چه از جنبه‌های مثبت و سازنده و چه از جنبه‌های مخرب و فسادانگیز، در حدی است که دیگر جنبه‌های زندگی هر فرد را به طور چشمگیری تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با این توصیف می‌توان گفت نحوه‌ی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان نقش مهمی در تحول فرد و به دنبال آن جامعه را دارد.

در زمان اوقات فراغت، نوجوانان و کودکان معمولاً فعالیت‌های غیررسمی را بیشتر می‌پسندند، مخصوصاً که فعالیت‌ها از طرف گروه همسالان باشد، آنان در انتخاب آزادتر باشند، مشورت بیشتری با آنها شده باشد و به او اهمیت بیشتری داده شده باشد. این باعث می‌شود تا فعالیت جذاب‌تر و تأثیر بیشتر داشته باشد (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۰). گفتنی است «بحث اوقات فراغت در کشور ما با تعطیلات مدارس و آغاز فصل تابستان شروع می‌شود و با اتمام تابستان پایان می‌پذیرد. معمولاً تلاش برنامه‌ریزان بر این است که تابستان را فصلی پربار و از حیث امکانات فراغتی غنی سازند» (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۱۹۸) چراکه در زمان فراغت انسان فرصت می‌یابد تا در فعالیت‌های خودانگیزانه‌ی زمان فراغت به دل‌خواسته‌ها و اشتیاقات خویش بپردازد و از این راه، به خود بیانگری و خودتعالی‌بخشی‌اش اقدام کند. فعالیت‌های زمان فراغت مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که به منظور دفاع از خودانگیزختگی و عمل مستقل، برای پس‌زدن مرزهای محدودکننده و تجویزگرانه و اجباری، در پرداختن فرد به هنر، علم، فرهنگ، سیاست، ورزش،... و بازی انجام می‌گیرد و فرصت زندگی فرد را می‌گستراند؛ گسترشی که به معنای رهایی و آزادی است (قاضی مرادی، ۱۳۸۶: ۸).

در چند دهه اخیر، با وجود سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های مسئولان کشور، برای غنی‌سازی اوقات فراغت و مسأله‌ی آموزش قشر جوان و نوجوان، به دلیل فقر مالی و یا فرهنگی بسیاری از خانواده‌ها، تمامی اوقات نوجوانان این خانواده‌ها، بدون بهره‌گیری مفید و پربار به کار می‌گذرد. متأسفانه برای رفع این مشکل در کشور تحقیقات جامع و عمیقی در این‌باره صورت نگرفته است؛ تحقیقاتی که قطعاً می‌تواند در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و غنی‌سازی اوقات فراغت و آموزشی نسل جوان و نوجوان بخصوص قشر فرودست جامعه، نقش نیرومندی داشته باشد.

با توجه به گزارش نمایندگی سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۵ در استان لرستان حدود ۴۰۰ هزار نفر نوجوان زندگی می‌کنند که در قالب برنامه‌های تربیت‌بدنی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیته‌ی امداد امام، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و هلال‌احمر اوقات فراغت خود را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند (مهرداد، ۱۳۹۰: ۱۲۶). بر اساس گزارش مذکور، نیمی از نوجوانان تحت پوشش برنامه‌های رسمی ارائه شده قرار نگرفته‌اند و امکانات موجود در استان نیز نشان می‌دهد که نوجوانان استان، با کمبود تجهیزات فراغتی در بخش‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، عقیدتی، مهارت آموزشی و تفریحی مواجه هستند.

مروری بر مطالعات پیشین

مطالعات انجام شده درباره‌ی اوقات فراغت در خارج از کشور فراوان، اما در داخل کشور محدود است و هنوز جای تحقیقات فراوان درباره‌ی ابعاد مختلف این پدیده وجود دارد. در این قسمت، در ابتدا به برخی از تحقیقات عمده‌ی انجام شده در داخل و سپس به تحقیقات خارجی پرداخته شده است.

ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۸)، در تحقیقی که در بین جوانان شهر بابلسر پرداختند، دریافتند که متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان تحصیلات جوانان، با گذران اوقات فراغت آنان همبستگی دارند. بعلاوه، میزان گرایش پسران به انجام فعالیت‌های زمان فراغت، بیش از دختران است. فردرو (۱۳۷۸)، همچنین بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی، منطقه‌ی مسکونی، تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی رابطه‌ی معناداری مشاهده کرده است. (ربانی و شیری ۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی» به بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران پرداختند. نتایج بیانگر نقش تعیین‌کننده‌ی طبقه‌ی اجتماعی و ترکیب هم‌زمان جنسیت با طبقه‌ی اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. میرخلیلی (۱۳۸۵)، حاشیه‌نشینی را یکی از عوامل دخیل و مؤثر در بزهکاری عنوان کرده است. فریدون تندنویس (۱۳۷۶)، در تحقیق یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که تلویزیون، مطالعه و هم‌صحبتی و ورزش چهار فعالیت جاری و ورزش، مطالعه و

کامپیوتر از فعالیت‌های فراغتی مورد علاقه و جایگاه ورزش در فعالیت‌های فراغتی پسران در مرتبه‌ی سوم و برای دختران در مرتبه‌ی نهم بوده است. در مورد اوقات فراغت در خارج از کشور تحقیقات زیادی انجام شده است که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

استودولسکا^۱ در مطالعه‌ی خود نشان داده است که انجام اوقات فراغت مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و هم‌چنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (استودولسکا، ۲۰۰۶). وایت نیز درباره‌ی تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد. هم‌چنین طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تغییر در پایگاه طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند. مطالعات دیگری که توسط واگنر^۲ (۲۰۰۶)، انجام شد، نشان‌دهنده‌ی آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد. از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آنهاست. در تحقیقات پیشین، اوقات فراغت در بین کودکان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین بررسی نشده است، در نتیجه، در این پژوهش، اوقات فراغت کودکان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین شهرستان خرم‌آباد مورد توجه قرار گرفته است تا امکان مقایسه‌ی فعالیت‌های فراغتی در بین این دو ناحیه و گروه‌های متفاوت سنی فراهم گردد. بنابراین، در مقاله‌ی حاضر، موضوع اوقات فراغت از نظر سنجش با عمق بیشتر و در ارتباط با گروه‌های متفاوت نوجوانان با توجه به محل سکونت آنان بررسی می‌شود و به آزمون فرضیه‌های ذیر می‌پردازد:

فرضیه‌ی نخست: به نظر می‌رسد بین متغیر طبقه‌ی اجتماعی نوجوانان و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: بین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه تفاوت

1- Stodolska.

2- Wegner

وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: میزان گذران اوقات فراغت در میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه شهر متفاوت است.

فرضیه‌ی چهارم: نوع گذران اوقات فراغت در میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه شهر متفاوت است.

مبانی نظری در بحث از اوقات فراغت

نظریه‌ی ساخت‌گرایی اجتماعی به واحد تحلیل کودک در متن توجه دارد. دیدگاه ساخت‌گرایانه معتقد است واقعیات اجتماعی توسط کنش‌های در جریان ما ایجاد می‌گردد. از دید این نظریه کنشگر مستقل و مختار در یک دنیای مستقل وجود ندارد، بلکه کنشگر درون ساختار اجتماعی دست به عمل می‌زند و ساختار اجتماعی نیز به مرور از تغییرات در کنش‌های افراد دچار تغییر می‌گردد (نیازی، ۱۳۸۷: ۴۷). از این منظر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی است و تفاوت‌هایی که در این زمینه به وجود می‌آید ناشی از تفاوت‌های ساختارهای مانند طبقات مختلف اقتصادی، فرهنگی و غیره است که کودک در آن موقعیت قرار دارد.

دیدگاه کارکردگرایی نیز بر عوامل اقتصادی به عنوان تعیین‌کننده‌ی اصلی ماهیت دوره‌ی کودکی تأکید می‌کند و از این‌رو به موضوع فایده‌ی اقتصادی و سطح مهارت‌های مورد نیاز برای کار توجه دارد. ماسگر عقیده دارد که کودکی همراه با سودمندی اقتصادی کودکان تغییر می‌کند. درجایی که استفاده‌ی اقتصادی از کودکان بیشتر مورد نیاز باشد، فکر اینکه کودکان موجوداتی ساده و طبیعی و لطیفند وجود ندارد (مور، ۱۳۷۶: ۱۲۲). در این دیدگاه کودکان و دوران کودکی به شدت تحت تأثیر اوضاع اقتصادی بخصوص وضع اقتصادی خانواده قرار می‌گیرد و قطعاً مفهوم اوقات فراغت کودکی نیز از آن تأثیر می‌پذیرد. در اینجا اوقات فراغتی شاید فقط زمان استراحت و فراغت از کار، برای کودکان است.

نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت نیز با انتقاد به جامعه‌ی سرمایه‌داری و سلطه‌ی فرایندهای اقتصادی بر عرصه‌های مختلف زندگی مردم از جمله عرصه‌ی فراغت، نشان

می‌دهند که چگونه فراغت از معنا و مقصد خود فاصله گرفته و تحت الزام‌ها و اجبارهای اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است. برای مثال، از نظر آدورنو^۱ باوجود افزایش ظاهری آزادی انتخاب در جوامع سرمایه‌داری، در واقع سلطه‌ی فرهنگی و روابط محاسبه‌گرایانه و سودجویانه افزایش یافته است. آزادی و افزایش زمان فراغت توهمی بیش نیست، زیرا مردم در جامعه‌ی سرمایه‌داری تحت تسلط صنعت فرهنگ و نیازهای فرهنگی ساختگی قرار دارند. اوقات فراغت به صورت کالا تولید و تحویل بازارهای پرمشتری می‌شود. آزادی انتخابی ارائه شده از طریق بازارهای اوقات فراغت، به هیچ وجه حق انتخاب به شمار نمی‌آید. در واقع افراد در دام مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری گرفتار آمده‌اند (هی وود ۱۳۸۰: ۳۳۵ و ۳۳۶).

در دیدگاه آدورنو اساساً مفهوم گذران اوقات فراغت یک مفهوم ضد فرهنگ است. از نظر او جامعه هرچند با جعل مفهوم اوقات فراغت این تصویر را پدید می‌آورد که گویا در این لحظه‌ها افراد را به خود وامی‌گذارد اما در واقع نظام‌های عظیم و باقدرت هنری و... حتی در لحظات نیز به تبلیغ ایدئولوژی خود می‌پردازد. بنابراین دیدگاه نوجوانان و جوانان در این اوقات فراغت به مصرف‌کننده‌ی محصولات فرهنگی مبتذل تبدیل می‌شوند (گزارش ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۵۲). آدورنو بر این عقیده است که گذران اوقات فراغت در قدیم با جریان فرهیخته شدن فرد رابطه داشته است. فرد در جریان این فعالیت به نوعی استقلال و بلوغ می‌رسد، اما در حال حاضر وسایل ارتباط جمعی امکان رسیدن به هر نوع بلوغ را از میان برده‌اند و او را به مصرف‌کننده‌ی صرف محصولات فرهنگی مبدل ساخته‌اند. حضور تلویزیون در خانه به آن معناست که متخصصان وسایل ارتباط جمعی و فیلم‌سازان و... به او دیکته می‌کنند که اساساً چه چیزی را واقعی بدانند و چه چیز را غیرواقعی. در این دیدگاه، یکی از موضوعات مهم برای شناخت اوقات فراغت این است که مقاومت در برابر نابرابری‌های سرمایه‌داری از طریق نظرات و اندیشه‌های طبقه‌ی مسلط و کنترل‌های فرهنگی خنثی شده و از مسیر خود منحرف می‌شود. طبقه‌ی حاکم افراد را از طریق هژمونی سیاسی و فرهنگی به طرف مصرف

1-Adorno

هرچه بیشتر سوق می‌دهد. بدین‌سان اوقات فراغت نیز به‌صورت کالایی مصرفی درمی‌آید. صنعت فرهنگ برای مردم تفریحات توده‌ای توأم با مصرف و خرید را فراهم آورده و اینها به نیازهای کاذبی تبدیل می‌شود که نیروی محرکه‌ی آن از طریق تبلیغات و نمایش کاخ‌های مصرف تأمین می‌شود (هی‌وود ۱۳۸۰: ۳۵۳ و ۳۵۴).

هورکهایمر^۱ و آدورنو با مبحث دیالکتیک روشنگری^۲ در برابر و مخالف با فرهنگ فراغت و تفریح توده‌ای سعی کردند که در پروژه‌ی روشنگری بیان کنند فرهنگ توده، نه تنها برای بشر آزادی به عمل نیاورد بلکه وسیله‌ای برای کنترل و سلطه بر جامعه‌ی انسانی هم شد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۰-۸۳). مطابق با این دیدگاه که از اندیشه‌ی مارکس سرچشمه گرفته و به جای اقتصاد، ابزار فرهنگی و رسانه را عامل رشد دنیای سرمایه‌داری و استثمار انسانی می‌دانند؛ نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان متأثر از صنعت فرهنگ دنیای سرمایه‌داری و بدون مشارکت فعالانه‌ی کودکان و نوجوانان است؛ کودکان و نوجوانان در این نظریه هرچند دارای پایگاه بالای اجتماعی و اقتصادی خانوادگی باشند در زمان اوقات فراغت مصرف‌کنندگانی بدون اراده و منفعلی هستند که به تبعیت از رسانه و تلویزیون و.. در خدمت مد و مصرف کردن دیگر وسایل فرهنگی متناسب با طبقه‌ی اجتماعی خود هستند.

بورديو یکی از نظریه‌پردازان مشهور درزمینه‌ی سبک زندگی و اوقات فراغت است. بورديو دیدگاه جدیدی را در عرصه‌ی اوقات فراغت و سبک زندگی به وجود آورد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. او به عرصه و میدان توجه می‌کند؛ مطابق با هر میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد (خواجانه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۷: ۱۴۱). میدان در نظریه‌ی بورديو، پهنه‌ی اجتماعی کم و بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف شده و توانایی‌هایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا

1-Horkheimer

2 -Dialectic of Enlightenment

بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه در واقع از تعداد بی شماری میدان تشکیل شده است میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، حکومت، رسانه‌ها و... (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۴۵). به نظر بوردیو در جامعه میدان‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد که این میدان بر اساس سرمایه ساخته می‌شود و بوردیو به سرمایه‌ی فرهنگی در شکل‌دهی به میدان‌ها توجه بیشتری دارد (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۲۷). مردمی که در میدان مشابهی قرار می‌گیرند دارای منش‌ها و ذائقه‌های مشابهی هستند.

بوردیو معتقد است که پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی، علاقه‌ها، سلیقه‌ها، خواسته‌ها و برداشت‌های مربوط به فعالیت‌های فراغت، در دوران کودکی و در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فراگرفته می‌شود. مطابق دیدگاه بوردیو، تجربه‌های دوران کودکی منجر به ترکیب و شکل‌گیری منش می‌شود. این ترکیب نظامی از حالات و خواسته‌های قابل انتقال است که به‌عنوان مجموعه‌ای از ادراک‌ها، سلیقه‌ها، علاقه‌ها، احساسات و کنش‌ها عمل می‌کند و راهی برای درک جهان و تمییز فعالیت‌های مناسب و نامناسب است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷: ۱۵۷). منش، به خلق و خوی‌های شکل‌گرفته در هر میدان اطلاق می‌شود که بر ذائقه مؤثر است و ذائقه نیز عملکردی است که یکی از کارکردهایش کمک به ادراک فرد از جایگاهش در نظام اجتماعی است. منش اکتسابی است زیرا صرفاً مجموعه‌ای از انگیزه‌های روانی نیست بلکه محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص یا موقعیت معین است. منش‌های گروه‌های اجتماعی مختلف در سبک زندگی آن‌ها به نحوی نمود می‌یابد که از ذائقه تا سلیقه‌ی زیباشناختی و نگرش سیاسی آن‌ها جهت می‌دهد (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۶: ۷۰). گروه‌های مختلفی که در میدان‌های اجتماعی شکل می‌گیرند الگوی مصرفی خاصی را برمی‌گزینند که شیوه‌ی زندگی آن‌ها را از افراد دیگر متمایز می‌کند. افراد با توجه به سرمایه‌ای که از آن برخوردارند و جایگاهشان در میدان و با تأثیر میدان بر سلیقه و منش آن‌ها، نوع خاصی از فعالیت‌های اوقات فراغت را انجام می‌دهند.

سلیقه‌های افراد در مصرف فرهنگی در کنار فعالیت‌های فراغت و الگوهای مصرف، از

اصلی‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات سبک زندگی است (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

بوردیو به سبک زندگی به‌عنوان ابزاری برای نشان دادن تمایز اجتماعی توجه می‌کند (استوری، ۱۳۸۶). وی می‌گوید تمایزات اجتماعی می‌توانند در طیف متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی مشاهده شوند (وین، ۱۹۹۸: ۲۹). اهمیت فعالیت‌ها، فضاها و شیوه‌های خاص وابسته به توزیع اجتماعی آن‌هاست؛ به این معنا که اشخاص انتخاب‌های خود را با توجه به آگاهی‌های خود درباره‌ی گزینه‌های سایر افراد انجام می‌دهند. بعضی فعالیت‌ها، شیوه‌ها و فضاها به‌آسانی در دسترس و متعارف هستند؛ درحالی‌که بعضی دیگر به علت کمیابی گران‌بها، متمایز و به نسبت فاقد دسترسی هستند (ملاحسنی، ۱۳۸۱: ۳۰۰). در دسترس نبودن، هم مربوط به عوامل مادی و هم مربوط به شایستگی‌های ویژه و نیازمند آن‌هاست بنابراین ممکن است دو فعالیت متفاوت مثل رفتن به تئاتر و موزه یا رفتن به مسابقه‌ی فوتبال الزاماً از نظر هزینه متفاوت نباشند، ولی متمایز بودن فعالیت‌ها مربوط به شایستگی فرهنگی لازم برای درک و انتخاب آن است. از این رو طرفداری از تئاتر، نشانه‌ی تمایز بین عالی، پیش پا افتاده و معمولی است (هی وود و همکاران، ۱۳۸۰).

به نظر بوردیو موقعیت اجتماعی، اقتصادی مبتنی بر میزان بهره‌مندی فرد از سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است. میزان دسترسی به منابع مادی (سرمایه‌ی اقتصادی) و منابع فرهنگی (شامل سطح تحصیلات، میزان و نحوه‌ی استفاده از کالاهای فرهنگی) سهم سرمایه‌ی یک فرد و در نتیجه موقعیت اجتماعی و امکانات او را تعیین می‌کند و افراد بسته به موقعیت اجتماعی و منابع در دسترس سبک‌های زندگی خاصی را در پیش گرفته و از امکانات فراغتی و سلاقی خاصی برخوردار می‌شوند. این امکانات (مادی و فرهنگی)، گرایش‌ها و سلاقی ناشی از آن‌هم بر روی گزینه‌های فراغتی آن‌ها و هم بر میزان و چگونگی فراغت آنان تأثیر می‌گذارد (شکوری ۱۳۸۵: ۴).

بر مبنای دیدگاه بوردیو، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. در واقع یکی از کارکردهای اوقات فراغت،

تمایزبخشی است (کوزر، ۱۳۸۴: ۷۲۷). به نظر بردیو، انتخاب‌هایی که افراد در مورد گزینه‌های فراغت انجام می‌دهند، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را می‌آموزند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت متفاوت است. بعلاوه، چون حاشیه‌نشین‌ها، غیر حاشیه‌نشین‌ها، پسران و دختران و همچنین گروه‌های سنی مختلف در جامعه‌ی ما دارای سبک زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت‌های آن‌ها تغییر می‌کند، بنابراین وضعیت تأهل و سن به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر اوقات فراغت بررسی شده‌اند. با توجه به مطالب ذکرشده این مقاله با هدف:

۱. بررسی رابطه‌ی طبقه‌ی اجتماعی نوجوانان و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آنان در شهر خرم‌آباد.

۲. شناخت نحوه‌ی گذران اوقات فراغت نوجوان ساکن محلات حاشیه‌نشین و عادی شهر خرم‌آباد.

۳. بررسی میزان گذران اوقات فراغت در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه‌ی شهر خرم‌آباد.

۴. بررسی نوع گذران اوقات فراغت در میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه‌ی شهر خرم‌آباد و مقایسه نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت کودکان و نوجوان شهر خرم‌آباد تدوین شده است تا ضمن مقایسه‌ی نحوه‌ی گذران فراغتی کودکان و نوجوان طبقه‌ی محروم و طبقه‌ی متوسط و عادی جامعه، عوامل مؤثر در چگونگی گذران اوقات فراغت و آسیب‌های ناشی از این محرومیت‌ها را مطالعه و پژوهش نماید. آسیب‌هایی که اگر امروز مورد تأمل و توجه قرار نگیرند؛ در آینده ریشه‌ی بروز بسیاری از رفتارهای انحرافی و اعمال ضداجتماعی خواهند بود. برای پیشگیری و جلوگیری از مسائل بفرنج جامعه در آینده، امروز باید کمر همت بست و به یقین انجام کارهای پژوهشی و مطالعات در این راه مفید خواهد بود. امید می‌رود انجام این تحقیق و تحقیقات مشابه و ارائه‌ی راهکارهای مناسب با مسأله‌ی در حال بررسی، به کاهش مسائل و مشکلات در جامعه کمک نماید.

اوقات فراغت

در فرهنگ فارسی معین، فراغت این‌گونه معنی شده است: آسایش، استراحت، آسودگی، آرامش، بی‌اعتنایی و وارستگی فرصت و مجال (معین، ۱۳۷۷). تعریف لغوی اوقات فراغت در فرهنگ دهخدا چنین آمده است: به معنای آسایش، استراحت، ضد گرفتاری، از کار و مشغله و همچنین فراغت داشتن یعنی غفلت داشتن و فراموش کردن (دهخدا، ۱۳۷۰). لغت‌دانان واژه‌ی جدیدتر، همچون «auge» را برای فراغت قائل شده‌اند و آن عبارت است از: سرگرمی‌ها، تفریحات و فعالیت‌هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آن می‌پردازند. در زبان فارسی فراغت به معنای آسودگی و آسایش است و معمولاً در مقابل اشتغالات و درگیری‌های روزمره که به تمامی موجب خستگی می‌شود به کار می‌رود. در معنای دیگر آمده است که فراغت در لغت فراغ، آسایش، آرامش و استراحت است و آزاد بودن از کار روزانه و هرگونه مجال و فرصت دیگر نیز معنی می‌دهد (گزارش ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۳-۲). همچنین به موجب تعریفی که توسط گروه بین‌المللی جامعه‌شناسی از فراغت شده، فراغت به نقل از علی اسدی (۱۳۵۰) عبارت است از مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود، برای استراحت، تفریح، ارتقای آگاهی‌ها، فراگیری غیرانتفاعی و یا مشارکت اجتماعی، داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

وظیفه‌ی عملکردی اوقات فراغت

«دومازیه^۱ سه وظیفه‌ی عملکردی برای اوقات فراغت برمی‌شمارد که عبارتند از: رفع خستگی، تفریح و سرگرمی، توسعه و رشد انسانی و امکان تخصیص دادن قسمتی از زمان آزاد برای بالا بردن سطح معلومات، مشارکت آزاد اجتماعی و پرورش استعدادها؛ بنابراین بعضی از مسائلی را که درباره‌ی با اوقات فراغت مطرح می‌شوند، می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:»

۱- نیازهایی که به هنگام گذراندن اوقات فراغت ارضا می‌شود.

۲- کارکردی که با گذراندن اوقات فراغت تحقق می‌پذیرد.

1- Dumazadier

۳- اشکال و صور گذراندن اوقات فراغت.

۴- ابزار گذراندن اوقات فراغت با توجه به اشکالی که پیدا می‌کند و تأثیر فنون و وسایل ارتباط جمعی بر آن.

۵- روابط بین گذراندن اوقات فراغت با دیگر فعالیت‌های فرد و نیز یادگیری عوامل اجتماعی.

۶- نتایج و آثار فرهنگی، اخلاقی، روانی، اجتماعی و...

۷- جنبه‌های اقتصادی گذراندن اوقات فراغت (اکبری، ۱۳۸۱: ۳۰۹-۳۰۸).

گذران اوقات فراغت

مسئله‌ی گذران اوقات فراغت، از دهه‌ی ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ که مسئله‌ی کار از مهم‌ترین مشغولیت‌های ذهنی جامعه‌شناسی بود؛ موردتوجه قرار گرفت. به‌ویژه ماهیت در حال تغییر کار از یک‌سو، رشد بیکاری و از سوی دیگر افزایش رفاه باعث شده است که فرصت‌های جدید و الگوهای نویی برای گذران اوقات فراغت پدید آید. بخش‌های وسیعی از جامعه مانند جوانان و بازنشستگان به نحوی روزافزون، فراغت را بیش از کار کانون خود تلقی کردند (مور، ۱۳۷۶: ۲۰۳). البته هنوز در بسیاری از خانواده‌های ایرانی کار کودکان و نوجوانان در ایام فراغت آن‌ها، مهم‌ترین برنامه‌ریزی برای گذران این ایام تلقی می‌شود. هرچند به‌طور یقین نمی‌توان گفت که کار کودکان در مقابل فراغت وی قرار می‌گیرد زیرا که برخی از کودکان به دلخواه و از روی تفنن کار را به عنوان یک فعالیت فراغتی انتخاب می‌کنند؛ مانند آشپزی دختران در خانه و یا همکاری بسیاری از پسران به پدرانشان به خصوص در مشاغل آزاد در وقت فراغتی خود. اما بنا بر نظر بسیاری از صاحب‌نظران امروزه باید بین فعالیت کودک و کار کودک تفاوت اساسی قائل شویم.

مطالعات در مورد الگوهای گذران اوقات فراغت در ایران نشان می‌دهد که مفهوم اوقات فراغت در جامعه‌ی روستایی، سنتی و در جامعه‌ی شهری صنعتی نیز تغییر فراوان کرده است و به نظر می‌رسد فراغت به‌عنوان نهاد تازه‌ای در کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه شکل گرفته و مفهوم تازه‌ای پیدا کرده است. بر این اساس

می‌توان قضاوت نمود که بین متغیرهای محل تولد، جنس، سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد و الگوهای فراغت نسل‌ها با یکدیگر متفاوت است (الکتابی، ۱۳۷۹: ۲۶). به‌طور مثال در نسل‌های گذشته انجام فرایض دینی و مستحبات و همچنین معاشرت و گپ زدن با همسایه‌ها و اهل محل از شیوه‌های گذران اوقات فراغت بود و سفر هم، معمولاً به قصد زیارت و دیدار اقوام بود؛ در حالی که جوان امروزی در زندگی خود، به دنبال استقلال است. رفتن به سینما و تئاتر و پارک و مهمانی و مطالعه و تماشای تلویزیون در نسل امروزی بخشی از نحوه‌ی گذران اوقات فراغت است البته رفتن به مسافرت به‌عنوان تفریح و گردش در میان نسل جوان افزایش یافته ولی نه برای زیارت و یا دیدار اقوام (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

در چند دهه‌ی اخیر در بین خانواده‌های ایرانی، به دلیل توجه به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت آن‌ها، در تعطیلات تابستان از اهمیت خاصی برخوردار شده است؛ زیرا این ایام طولانی است و در صورت هدایت نشدن آنان و عدم وجود امکانات و تسهیلات کافی برای این امر، موجبات صدمات روحی و انحرافات اجتماعی آنان فراهم می‌شود. بنابراین لازم است که بیشترین استفاده را از این ایام نمود؛ زیرا اوقات فراغت از دید اجتماعی، مانع بروز انحرافات اجتماعی؛ از دید اقتصادی، باعث افزایش کار و تولید؛ از دید سیاسی، مانع از بحران‌های سیاسی و آشوب‌های اجتماعی و از نظر روانشناسی، باعث بهداشت روان و تضمین سلامت انسان‌ها و ایجاد نشاط می‌شود (کریمیان، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

امروزه شیوه‌ی گذران اوقات فراغت در کشور به دو نوع فردی و جمعی تقسیم می‌شود؛ از این میان شیوه‌ی گذران اوقات فراغت فردی نیز به فعال و غیرفعال قابل تقسیم است که فرد در شیوه‌ی غیرفعال مشارکتی در گذران اوقات فراغت ندارد. در این شیوه فرد اوقات فراغت خود را در مقابل تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی می‌گذراند. بیشتر جوانان ایرانی اوقات فراغت خود را بدین گونه می‌گذرانند (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت؛ اوقات فراغت به معنی بی‌برنامگی، بی‌مسئولیتی و آزادی بی‌قیدوشرط نیست بلکه اوقات فراغت بخشی از ساعاتی است که

برای گذراندن آن به دقت بیشتری نیاز است بخصوص اگر بخشی از آن همسو با تعلیم و تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان باشد، باید از برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری برخوردار شود.

نوجوانان اوقات فراغت با توجه به پایگاه اجتماعی خانواده‌ها

انواع فعالیت‌ها از قبیل فعالیت‌های ورزشی، مطالعه، شرکت در اردوها، بازدید از باغ‌وحش‌ها، موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، دیدن فیلم و رفتن به سینما و تئاتر و تماشای تلویزیون، انجام بازی‌های کامپیوتری، مسافرت و فعالیت‌های مشابه معمولاً در اوقات فراغت انجام می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۲۶). البته در انتخاب نوع فعالیت فراغتی در بین کودکان و نوجوانان، پایگاه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها و تفاوت‌های شخصیتی و توانایی کودک و نوجوانان نقش مهمی دارد؛ به عنوان نمونه می‌توان به برخی از فعالیت‌های فراغتی «بچه‌های معروف» و «بچه‌های کلوپ» در بین گروه‌های متفاوت جامعه اشاره کرد.

فعالیت‌های گروه‌های بچه‌های معروف، بچه‌های کلوپ و گروه‌های مشابه مخصوص نوجوانان طبقه‌ی مرفه جامعه است که متأسفانه این گروه‌های نوجوان وقت‌های فراغتی خود را نه از سر نیاز، بلکه به دلیل رفاه به بطالت و حتی بزه‌کاری می‌گذرانند. اصطلاح بچه‌های معروف یا رپ حکایت از بچه‌هایی دارد که اغلب از خانواده‌های مرفه هستند و بیشتر اوقات این نوجوانان با پوشیدن لباس شیک و مد روز و گشت‌وگذار و سواری با ماشین‌های گران‌قیمت در بالای شهر می‌گذرد. همچنین پاساژگردی، پرسه زدن در کافی‌شاپ‌ها و اماکن تجاری، مسافرت به کشورهای غربی، جمع شدن در پارتی‌ها و جشن‌ها، استعمال مشروبات و مخدرهای دیگر و رفتارهای مشابه از فعالیت فراغتی دیگر این گروه است. گاه در صورت عدم تأمین هزینه‌های سرسام آن‌ها از طرف خانواده‌ها، دست به سرقت می‌زنند. در واقع همه‌ی این سرقت‌ها نه به خاطر نیازهای اقتصادی، بلکه در مواقعی ناشی از میل به هیجان‌طلبی آنان است. بچه‌های کلوپ نیز گروه‌های مرفه هستند. کلوپ‌های ورزشی، کلوپ رایانه‌ای و کلوپ دوستی محل تجمع و پاتوق آنهاست. دسته‌های کلوپ‌های دوستی‌ها، معمولاً در آپارتمان‌های مجردی به‌صورت تک

جنسیتی و یا مختلط برای خوش گذرانی جمع می‌شوند. این کلوب‌ها ممکن است در رستوران‌ها و یا کافی‌شاپ نیز باشد. این کلوب‌ها گاه محل جذب دختران فراری می‌شوند (نیازی، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

با توجه به پایگاه خانواده، نوع فعالیت در زمان اوقات فراغت ممکن است برای نوجوان کار باشد و این مورد معمولاً متأثر از چارچوب فرهنگ یک جامعه نیز هست. در جوامع روستایی و سنتی که گفتمان سنتی مقدم بر منافع فرد می‌باشد، وظایفی بر فرد (کودک) تحمیل می‌شود و کودک و نوجوان مجبور به پذیرش آن وظایف در زمان فراغتی خود است مانند کار دختران در خانه، در زمان فراغتی آن‌ها و یا در بیشتر روستاها؛ یک نوجوان روستایی معمولاً ساعت فراغت و کارش یکی است و مجبور به کمک والدین در کارهاست. در شهرها نیز پسران طبقه‌ی فرودست در اوقات فراغت با دستمزدی اندک برای کمک به امرار معاش خانواده کار می‌کنند؛ فرزندان دختر این طبقه نیز که معمولاً خانواده‌های پرجمعیت را تشکیل می‌دهند باید در کارهای خانه مشارکت کنند؛ بدین گونه بخش اعظم و یا تمامی وقت فراغتی این نوجوانان به دلیل سنت‌ها و یا فقر به انجام کار می‌گذرد. در مجموع در مورد کار نوجوانان و کودکان تقسیم‌بندی‌های شده است که نمونه‌های آن عبارتند از:

راجرز و استندینگ (۱۹۸۱)، مقوله‌ی کار را بخشی از حوزه‌ی گسترده فعالیت‌های کودکان به شمار می‌آورند. آنان در این باره ده بخش را پیشنهاد می‌کنند: کارخانگی، کار غیر خانگی، کار بدون مزد، کارگروهی یا دسته‌ای، کار مزدوری، فعالیت‌های اقتصادی حاشیه‌ای، تعلیم و تربیت، تن‌پروری و بیکاری، تفریح و فعالیت‌های تولیدی و بازتولیدی.

یونیسف برای کار کودکان، فقط سه بخش عمده را در نظر می‌گیرد:

- کار بدون مزد در داخل خانواده: این بخش خود به زیر بخش‌های کارخانگی، کارهای کشاورزی و شبانی از قبیل کشت، درو و گله‌داری و هنرهای دستی یا صنایع مربوط به کلبه‌سازی از قبیل نجاری یا چرم‌سازی و چرم بافی تقسیم می‌شود. این بخش هم‌چنین ممکن است گدایی یا تن دادن به ارتکاب اعمال جنسی غیراخلاقی و مستهجن را نیز

شامل می‌شود.

- کار در درون خانواده، اما بیرون از منزل: کار در این بخش، کارهای کشاورزی و شبانی (که ممکن است تمام وقت‌های فصلی، محلی یا مهاجرتی باشد)، کار تولیدی و کار استخدامی یا شخصی در اقتصاد غیررسمی را شامل می‌شود.

- کار بیرون از خانواده: این بخش ممکن شدن و به کار گرفته شدن توسط دیگران را شامل می‌شود؛ موقعیتی که کارهای نوکری و کارهای اجباری که به منظور استهلاک قرض صورت می‌گیرد، شاگردی کردن، بازرگانی حرفه‌ای، تجارت، کارهای غیرحرفه‌ای صنعتی و مشابه آن در معادن و غیره کار خانگی را شامل می‌شود (جیمز، ۱۳۸۵: ۲۵۳-۲۵۱).

روش تحقیق

این تحقیق نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ساکن محلات حاشیه‌نشین و عادی شهر خرم‌آباد را در سال ۱۳۹۲ مورد تحلیل قرار و مقایسه داده است. این پژوهش از دسته‌ی مطالعات توصیفی است که به صورت مقطعی و پیمایشی اجرا شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی کودکان و نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال ساکن شهر خرم‌آباد هستند. تعداد کودکان و نوجوانان مورد بررسی در زمان جمع‌آوری داده‌ها ۲۰۰ نفر هستند که به طور تصادفی از بین کودکان و نوجوانان ساکن در مناطق حاشیه‌نشین و عادی خرم‌آباد با حجم طبقات برابر انتخاب شدند. در این مطالعه با توجه به موضوع و هدف پژوهش، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری گردید. پرسشنامه‌ی تحقیق پس از تدوین، با استفاده از فرضیه‌ها و متغیرهای پژوهش و آزمون مقدماتی پرسشنامه و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ اعتبار ابزار مورد بررسی قرار گرفت و پس از جمع‌آوری اطلاعات، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و فعالیت‌های آماری مربوط، داده‌های تحقیق، مورد توصیف، تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

توصیف اطلاعات

آماره‌های توصیفی تحقیق عبارتند از:

جدول ۱: توصیف میزان سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان استفاده از رسانه، نوع فعالیت‌های

اوقات فراغت پاسخگویان

سن	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
	۱۹۵	۷	۱۸	۱۳/۸۷	۳	۶۸۰/۰-	۵۶۶/۰-
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۱۹۲	۱/۲۰	۴	۲/۷۳	۰/۶۶۷	۰/۲۰۲	-۰/۴۲۳
میزان استفاده از رسانه	۱۹۲	۱/۲۰	۴	۲/۷۳	۰/۶۶۷	۰/۲۰۲	-۰/۴۲۳
نوع فعالیت‌های فراغت	۱۹۴	۱/۳۲	۲/۸۰	۲	۳۳۵/۰	۵۷۵/۰	-۰/۱۷۹

همچنان که یافته‌های تحقیق در جدول شماره‌ی (۱) در مورد سن پاسخگویان نشان می‌دهد میانگین سنی گروه مورد مطالعه بین ۷ تا ۱۷ سال است.

بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده پاسخگویان نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده افراد ساکن در این شهرستان به طور متوسط ۲/۷۳ درصد است و با توجه به اطلاعات مندرج در جدول می‌توان چنین استنباط کرد که ۲/۲۱ از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش به طور متوسط از رسانه‌ی جمعی استفاده می‌کنند. همچنین طبق جدول شماره‌ی (۱) بررسی فعالیت‌های اوقات فراغت در میان پسران و دختران زیر ۱۸ سال ساکن خرم‌آباد نشان می‌دهد که حداقل جواب به بررسی فعالیت‌های اوقات فراغت ۱/۳۲ و حداکثر میزان آن ۲/۸۰ است. بنابراین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت افراد شرکت‌کننده به طور متوسط ۲ درصد است.

میزان تحصیلات پاسخگویان

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات

تحصیلات	حاشیه	غیر حاشیه	تعداد کل	درصد کل
ابتدایی	۳۱	۲۰	۵۱	۲۵/۸
راهنمایی	۴۹	۴۴	۹۳	۴۷/۲
دبیرستان	۱۸	۳۵	۵۳	۲۶/۹
جمع	۹۸	۹۹	۱۹۷	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول بالا می‌توان چنین استدلال نمود که ۲۵/۸۳ درصد در مقطع

ابتدایی، ۴۷/۲ درصد راهنمایی و ۲۶/۹ درصد در مقطع دبیرستان هستند. این آمار نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که بیشترین میانگین سنی مربوط به گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال است که پا به دوره‌ی بلوغ گذاشته‌اند و از لحاظ پایه‌ریزی شخصیت حساس‌ترین مرحله‌ی زندگی را دارند و به برنامه‌ریزی بیشتری برای گذران فراغت نیاز دارند.

وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی	حاشیه	غیر حاشیه	تعداد	درصد
مشغول به تحصیل	۶۳	۹۰	۱۵۳	۷۸/۸
ترک تحصیل	۳۳	۸	۴۱	۲۱/۲
جمع	۹۶	۹۸	۱۹۴	۱۰۰

جدول (۳) نمایانگر توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت تحصیلی آنان است. با توجه به داده‌های جدول بالا می‌توان چنین استدلال نمود که ۱۹۴ نفر از پاسخگویان وضعیت تحصیلی خود را بیان نموده‌اند که در این میان ۷۸/۸ درصد مشغول به تحصیل هستند و ۲۱/۲ از پاسخگویان ترک تحصیل کرده‌اند و این امر نشان‌دهنده‌ی فقر فرهنگی بعضی از خانواده‌هاست که باعث ترک تحصیل فرزندان آنان شده و آن‌ها را وادار به کار می‌کند.

تحلیل یافته‌ها:

آزمون فرضیه‌ی رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و فعالیت‌های اوقات فراغت

جدول ۴: تعیین همبستگی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و فعالیت‌های اوقات فراغت

متغیر		وابسته	
		فعالیت‌های اوقات فراغت	
	پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده	value	sig
		۰/۵۳۹	۰/۰۰۰
		n	۱۹۲

یافته‌های پژوهشی جدول شماره‌ی (۴) نشان می‌دهد که میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و فعالیت‌های اوقات فراغت رابطه وجود دارد ($r = 0/539$ و $sig < 0/000$). بنابراین می‌توان گفت پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده به دلیل حمایت‌های مادی و معنوی که از فرزندان می‌شود بر فعالیت‌های اوقات فراغت به طور مستقیم تأثیرگذار است؛ هر چه پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده بیشتر شود فعالیت‌های فراغتی افزایش می‌یابد و این نتیجه در سطح معناداری $0/99$ درصد قابل اعتبار است.

آزمون فرضیه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت گروهی در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه تفاوت وجود دارد

جدول ۵: نحوه‌ی گذران اوقات فراغت گروهی برحسب محل سکونت

t-test			Levene's Test		انحراف معیار	میانگین	سکونت	مفهوم
Sig	df	t	F	Sig				
0/000	32/248	6/484	4/397	0/002	0/320	1/63	مرکز شهر	فعالیت‌های اوقات فراغت گروهی
					0/214	2/78	حاشیه شهر	

جدول ۶: نحوه‌ی گذران اوقات فراغت برحسب جنسیت

t-test			Levene's Test		انحراف معیار	میانگین	سکونت	مفهوم
Sig	df	t	F	Sig				
0/001	9/356	7/233	2/087	0/005	1/134	1/14	دختر	فعالیت‌های اوقات فراغت گروهی
					0/415	2/98	پسر	

در آزمون فرضیه‌ی بین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه تفاوت وجود دارد.

آزمون لونز بیانگر این است که واریانس دو گروه ساکن مرکز و حاشیه شهر با هم برابر است ($f = 4/71$ و $sig < 0/002$). همچنین آزمون t نشان می‌دهد که فعالیت‌های اوقات فراغت برحسب نوع سکونت افراد در مرکز شهر و حاشیه شهر متفاوت است ($sig < 0/000$ و $484/$ t). ضمناً بین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت برحسب جنسیت طبق داده‌های جدول بالا

نشان می‌دهد که پسران تمایل بیشتری به گذران فراغت خود به صورت گروهی دارند. این فرضیه با ($t_{V/233}$ و $sig/0.01$) مورد تأیید قرار می‌گیرد بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که به احتمال ۹۹ درصد فرضیه‌ی صفر رد می‌شود و آماره مورد مشاهده قابل تعمیم به جمعیت است، به عبارت دیگر تفاوت میانگین نحوه‌ی گذران فعالیت‌های اوقات فراغت در دو گروه ساکن مرکز و حاشیه‌ی شهر است. کودکان ساکن در حاشیه‌ی شهر بیشتر به دنبال بازی‌های گروهی بوده ولی در غیر حاشیه به دلیل استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و... بیشتر تمایل به انجام بازی‌های انفرادی دارند.

آزمون فرضیه‌ی میزان ساعت گذران اوقات فراغت در روز میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه شهر متفاوت است

جدول ۷: میزان ساعت گذران اوقات فراغت در روز میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه‌ی شهر

t-test			Levene's Test		انحراف معیار	میانگین	سکونت	مفهوم
Sig	df	t	F	Sig				
۰/۴۵۶	۲۲/۶۲۱	۰/۷۴۷	۵/۵۵۵	۰/۰۶۹	۰/۳۲۳	۷/۳۵	حاشیه شهر	میزان ساعت فراغت در روز
					۰/۳۷۵	۶/۱۲	غیر حاشیه	

در آزمون فرضیه‌ی میزان ساعت گذران اوقات فراغت در روز میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه شهر متفاوت است. آزمون لونز بیانگر این است که واریانس دو گروه ساکن حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه باهم برابر نیستند ($f_{5/555}$ و $sig/0.069$). همچنین آزمون نشان می‌دهد که میزان ساعت گذران اوقات فراغت در روز میان کودکان حاشیه و غیر حاشیه شهر متفاوت نیست

($t_{0.747}$ و $sig/0.456$) بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که به احتمال ۹۵ درصد فرضیه‌ی یک رد می‌شود و آماره‌ی مورد مشاهده قابل تعمیم به جمعیت نیست. میزان ساعت در بین نوجوانان این دو منطقه متفاوت نیست و تفاوت می‌تواند در نحوه‌ی گذران فراغت باشد.

آزمون فرضیه بین نوع گذران اوقات فراغت در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه تفاوت وجود دارد

جدول ۸: نوع گذران اوقات فراغت در حاشیه‌ی شهر و غیر حاشیه

دختر		پسر		غیر حاشیه		حاشیه شهر		نوع فعالیت فراغتی
میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	
۲/۵۹	۹۸	۳/۲۶	۹۸	۲/۹۰	۹۴	۱/۹۲	۹۱	ورزش
۱/۶۲	۹۳	۲/۷۰	۹۵	۳/۰۳	۹۷	۱/۳۶	۹۴	بازی یارانه‌ای
۳/۱۱	۹۶	۱/۴۳	۹۶	۳/۲۸	۹۸	۱/۱۳	۸۹	کلاس آموزشی
۲/۰۳	۹۷	۲/۵۱	۹۳	۲/۲۱	۹۳	۱/۳۱	۹۷	مکان‌های تفریحی (پارک و...)
۱/۲۹	۹۹	۱/۰۷	۹۱	۱/۳۱	۹۹	۱/۰۲	۹۰	مطالعه
۲/۸۸	۹۸	۱/۰۲	۹۷	۱/۴۳	۹۲	۱/۳۴	۹۸	کار در منزل
۱/۵۹	۹۷	۲/۲۴	۹۹	۱/۳۱	۹۹	۳/۶۸	۹۵	کار بیرون منزل
۱/۱۴	۹۹	۱	۹۳	۱/۰۶	۱۰۰	۱/۰۷	۹۱	مکان‌های فرهنگی (موزه، تئاتر، کانون‌ها و...)
۱	۹۳	۱/۴۱	۹۵	۱	۹۶	۱/۴۴	۸۹	مصرف دخانیات
۱/۹۶	۹۸	۱/۲۱	۹۸	۱/۹۶	۹۷	۱/۲۶	۹۳	کارهای هنری
۱/۴۴	۹۵	۲/۵۱	۹۹	۱/۴۳	۹۲	۱/۵۰	۹۶	گردش در خیابان و پاساژ
۲/۴۰	۹۷	۲/۶۴	۹۴	۳/۵۶	۹۸	۳/۴۵	۹۹	پیامک فرستادن
۴/۵۵	۹۹	۳/۲۱	۹۶	۴/۵۸	۱۰۰	۳/۶۰	۹۸	تماشای تلویزیون
۱/۵۵	۹۶	۱/۳۶	۹۸	۱/۹۰	۹۱	۱/۰۲	۹۱	استفاده از اینترنت
۱/۶۸	۹۷	۱/۴۲	۹۰	۲/۱۹	۹۳	۱/۲۶	۹۸	سفر

با توجه به جدول بالا می‌توان به این نتیجه رسید که نحوه‌ی گذران اوقات فراغت بین

نوجوانان حاشیه و غیر حاشیه‌ی شهر خرم‌آباد به شرح زیر متفاوت است، چنانکه بیشترین میانگین نوع فعالیت فراغتی در حاشیه‌ی شهر مربوط به کار بیرون از منزل با ۳/۶۸ درصد و بعد از آن تماشای تلویزیون با ۳/۶۰ درصد است و در میان نوجوانان غیر حاشیه بیشترین میانگین مربوط به تماشای تلویزیون با ۴/۵۸ درصد و بعد از آن پیامک فرستادن با ۳/۵۶ درصد است. برحسب تفکیک جنسیت نوع گذران فعالیت فراغتی در میان پسران ورزش کردن با میانگین ۳/۲۶ و پس از آن تماشای تلویزیون با ۳/۲۱ درصد است و در گروه دختران بیشترین نوع فعالیت فراغتی مربوط به تماشای تلویزیون با ۴/۵۵ درصد و پس از آن شرکت در کلاس‌های آموزشی است. پسران نسبت به دختران میانگین بالاتری را در پیامک فرستادن و بازی‌های رایانه‌ای به خود اختصاص داده‌اند و دختران نسبت به پسران بیشترین میانگین را به کلاس‌های آموزشی و کار در منزل به خود اختصاص داده‌اند. بازی‌های رایانه‌ای در میان نوجوانان غیر حاشیه نسبت به نوجوانان حاشیه‌نشین به‌طور مشخصی بیشتر استفاده می‌شود. میزان مطالعه در میان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین و همچنین بین دختران و پسران در حد نامطلوبی قرار دارد. میزان پیامک فرستادن در هر دو محله نزدیک به هم است و استفاده از اینترنت در میان دختران بیشتر از پسران است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها و نحوه‌ی گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوانان رابطه وجود دارد؛ بدین ترتیب که میزان نگرش خانواده نسبت به اوقات فراغت فرزندان، تعداد اعضای خانوار، درآمد و تحصیلات و نوع منطقه‌ی محل سکونت، در نحوه‌ی فعالیت‌های گذران فراغتی آنان تأثیر بسزایی دارد؛ هرچه نگرش خانواده نسبت به اوقات فراغت مثبت‌تر و اعضای خانواده کم‌جمعیت‌تر باشد و میزان درآمد و تحصیلات خانواده و استفاده از رسانه‌های جمعی بیشتر باشد، به همان میزان فعالیت‌های فراغتی افزایش پیدا می‌کند.

بر اساس یافته‌های این مطالعه ورزش کردن، بازی‌های رایانه‌ای، کلاس‌های آموزشی، رفتن به مکان‌های تفریحی، مطالعه، کار کردن در منزل، کار کردن در خارج از منزل،

رفتن به مکان‌های فرهنگی، مصرف دخانیات، انجام کارهای هنری، در خیابان‌ها و بازارچه‌ها، پیامک فرستادن، تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت و مسافرت، فعالیت‌های اوقات فراغت کودکان و نوجوانان خرم‌آبادی است که بیشترین حد میانگین مربوط به پیامک فرستادن و تماشای تلویزیون است و کمترین حد میانگین مربوط به رفتن به مکان‌های فرهنگی و مطالعه است. در میان دختران فعالیت‌های گروهی کمتر از پسران است و این می‌تواند به این دلیل باشد که دختران بیشتر وقت خود را در منزل سپری می‌کنند و آزادی کمتری نسبت به پسران در گذران اوقات فراغت دارند. بنا بر نتایج تحقیق انجام شده کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین در زمان فراغت به دلیل تنگی معیشت و یا فقر فرهنگی خانواده مجبور به کار کردن هستند و کار کردن کودکان ضمن ایجاد مشکلات جسمی و روحی برای آن‌ها، گاهی هم باعث درگیر کردن آن‌ها در انحرافات اجتماعی می‌شود. از آسیب‌های دیگر در مورد اوقات فراغت، استفاده از رسانه‌های غربی، اینترنت و وسایل ارتباط جمعی، زنگ خطر بزرگی در بین نوجوانان و کودکان است که نیازمند مداخلات مناسب مانند راهبرهای آموزشی - تربیتی برای کودکان نوجوانان و راهنمایی و ارشاد خانواده و حمایت مالی و معنوی خانواده کم‌بضاعت از سوی مسئولان و آگاه نمودن افراد خیر و انجمن‌های خیریه است. مسأله‌ی حاشیه‌نشینی را هم باید مداوا کرد و هم پیشگیری؛ مداوا در مورد حاشیه‌نشینی است که اکنون در مناطق حاشیه‌نشین هستند و پیشگیری در مورد مهاجرانی است که اگر روند کنونی ادامه یابد تبدیل به حاشیه‌نشینان شهری در آینده خواهند شد. در مورد مداوا باید علاوه بر کمک برای تهیه مسکن مناسب‌تر اقداماتی برای به دست آوردن مشاغل بهتر، حداقل برای نسل دوم این خانواده‌ها انجام داد. راهکارهای پژوهش حاضر برای تعدیل پیامدهای حاشیه‌نشینی در بعد توانمندسازی و ارتقای ساکنان مناطق حاشیه‌نشین (درمان) قابل تدوین است. مدیریت شهری بخردانه برای ساماندهی و آمادگی پذیرش اسکان کم‌درآمدها در شهر، که این مدیریت باید به صورت بین بخشی و همراه با مشارکت اهالی شهر اعمال گردد و همچنین ایجاد امنیت برای فقرای شهری و تلاش برای برهم زدن حاشیه‌ی امنیتی فرصت طلبان، مفسدان و باندهای جنایتکار در این سکونت‌گاه‌ها با

مسئولیت و دخالت نهادهای مسئول به منظور مقابله با مسائل و انحرافات اجتماعی. بهترین راه حل برای ایجاد فرایند توسعه در اجتماعات حاشیه نشین، ساماندهی و به سازی کالبدی به همراه توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و عامل اصلی برای ساماندهی و توانمندسازی حاشیه نشینی، ایجاد مدیریت یکپارچه در سطوح ملی، منطقه ای و محلی است.

پیشنهادها:

- برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی درازمدت و کوتاه مدت توسط مسئولان و برنامه ریزان مربوط به منظور ارتقای فرهنگ حاشیه نشینان و جذب و مشارکت آنان در نظام شهری.

- تشکیل سازمان و نهادهای اجتماعی و مردمی NGO در این مناطق
- کمک رسانی دولت و شهرداری برای بهبود بخشیدن سطح زندگی و ایجاد تأسیسات زیرساختی مانند آب، لوله کشی، ایجاد مراکز بهداشتی و درمانی، بهبود جاده ها و شبکه ی حمل و نقل در مناطق حاشیه نشین.

- ایجاد فضای سبز و پارک های عمومی برای استفاده ی عموم مردم ساکن در این مناطق.
- ایجاد اشتغال و بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود برای حاشیه نشینان بخصوص در بخش های تولیدی کشور برای کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیررسمی و شغل های کاذب و انگلی از یکسو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آنها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی برای تمامی گروه های اجتماعی از سوی دیگر.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۷). جامعه شناسی فرهنگی در ایران. تهران: نشر علم.

- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس. (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت: (بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر)، فصلنامه‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال پنجم، شماره‌ی ۱۴.
- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۹). روانشناسی نوجوان و جوان شامل ویژگی‌های زیستی...، شغلی و جنسیتی. اصفهان: انتشارات مشعل.
- استوری، جان. (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی در مورد فرهنگ‌عامه، ترجمه‌ی حسین پاینده، تهران: نشر آگه.
- استیرنس، پیتر. (۱۳۸۸). دوران کودکی در جهان، ترجمه‌ی سارا ایمانیان، نشر تهران: اختران.
- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۳). درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش فرهنگی.
- اشرف الکتابی، منوچهر. (۱۳۷۹). بررسی تغییرات نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: مؤسسه‌ی نشر ساوالان.
- بهنام، جمشید. (۱۳۸۳). بویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. تهران: نشر ماهی.
- پورناجی، بنفشه. (۱۳۸۷). مرگ خاموش، نگاهی به پدیده‌ی کودک‌آزاری. انتشارات همشهری.
- تیموتی، دالنج. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مصرف (گردشگری و خرید)، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی و مهدی حسین‌آبادی. تهران: جامعه‌شناسان.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و پرستش، شهرام. (۱۳۸۶). دیالکتیک منش و میدان در نظریه‌ی عمل پی یر بورديو، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۰.
- جیمز، آلیسون، کریس جنکس و آلن پروت. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی دوران کودکی (نظریه‌پردازی دوران کودکی) مترجمان علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی. تهران: نشر ثالث.

- حسینی، حسن. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز شیوع پدیده‌ی کودکان خیابانی، کارفرما سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مشارکت‌کننده سازمان بهزیستی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- خواجه نوری، بیژن؛ مقدس، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ (مطالعه‌ی موردی: دانش آموزان دبیرستانی شهرستان آباد)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی»،
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۰). فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر.
- ربانی، رسول و شیرینی، حامد. (۱۳۸۸). اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۸.
- رجبی، محمد. (۱۳۶۹). گذران اوقات فراغت دانش آموزان شهر شیراز، مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه‌ی استان فارس شماره‌ی ۴.
- رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۷). بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران. تهران، معاونت پژوهشی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۵). جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های زندگی شهری، فصلنامه‌ی انسان‌شناسی، شماره‌ی ۴.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم
- سبحانی نژاد، مهدی، عبدالله افشار و زهرا زارعی. (۱۳۸۸). تبیین جایگاه و چگونگی اصلاح الگوی مصرف اوقات فراغت خانواده‌های ایرانی به منظور ارائه‌ی راهکارهای عملیاتی بهره‌مندی جامع با عنایت به تعالیم دینی اسلام، فصلنامه‌ی فرهنگی دفاعی زنان و خانواده سال پنجم، شماره‌ی ۱۶.
- سلگی، محمد، بهرام صادق پور و همکاران. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، تهران: اهل قلم.
- شفیعی، سمیه. (۱۳۸۷). مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به سوی تبیین سبک زندگی، تهران، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- شکور، علی. (۱۳۸۵). تمایز‌پذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، (مطالعه‌ی

- موردی جوانان شهر تهران)، مجله‌ی جهانی رسانه، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲.
- صرافی‌زاده، مظفر. (۱۳۸۱). به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی، فصلنامه‌ی هفت شهر، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره ۸.
- فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۸). آسیب‌های شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات بدر.
- فردرو، م. (۱۳۷۸). پایگاه اقتصادی و اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۱۹/۳ تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). پیر بردیو، پرسمان دانش و روشنفکری، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۶). کار و فراغت ایرانیان. نشر تهران: اختران.
- کریمیان، حسن. (۱۳۸۸). نیم‌نگاهی به اوقات فراغت: زمینه‌ها و راهکارها، مجله‌ی معرفت، سال هیجدهم _ شماره‌ی ۱۴۱.
- کوزر، اوینیس. (۱۳۸۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گزارش ملی جوانان: بررسی اوقات فراغت جوانان. (۱۳۸۱). تهران: اهل‌قلم.
- محمدی، زهرا. (۱۳۸۳). بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۸۰-۱۳۷۰). نشر تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- معین، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ملاحسنی، حسین. (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی و نوع دین‌داری (در بین دانش آموزان سال سوم در استان گیلان)، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ملکی، قاسم. (۱۳۸۵). کودکان و نوجوانان خیابانی. تهران: انتشارات ایژ.
- مور، استیفن. (۱۳۷۶). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی مرتضی ناقب‌فر، چاپ چهارم، تهران: ققنوس.
- مهرداد، حسین. (۱۳۹۰). چگونگی و آسیب‌شناسی اوقات فراغت نوجوانان ۱۲ تا ۱۷

- ساله استان لرستان، فصلنامه‌ی اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال هفتم، شماره‌ی اول.
- میرخلیلی، محمود. (۱۳۸۵). توسعه‌ی شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی یزهکاری، فصلنامه‌ی حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۳.
 - نیازی، محسن. (۱۳۸۷). کودکان خیابانی. انتشارات نشر.
 - هادی زاده، مریم. (۱۳۸۳). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، شهرداری مشهد.
 - هی وود، لس و همکاران. (۱۳۸۰). اوقات فراغت، ترجمه‌ی محمد احسانی، تهران: امید دانش.
 - Trochim, William M K, Donnelly, James P (2006), "Research Methods Knowledge Base", Atomic Dog Publishing.
 - Wynne, D (1998). "Leisure, Life Style and the New Middle Class A Case Stady", London and New York, Rontledge.